

تأثیر عنصر زیبایی‌شناسی قرآنی بر تقویت ارزش‌های انسانی و تمدنی (با تأکید بر مسئله شهرنشینی)



علیرضا کاوند*

چکیده:

مسئله زیبایی‌شناسی قرآن، همواره از مسایل پر اهمیت در تاریخ تمدن اسلامی، شهرنشینی و عمران و آبادانی سرزمین‌های اسلامی در ۱۵ قرن اخیر بوده که ضروری است با توجه به تغییرات و تحولات خواسته یا ناخواسته‌ای که در گذر زمان، با وجود شاخصه‌های اسلامی-قرآنی در متن دین مبین اسلام برای تمدن و شهرسازی، در سبک زندگی مسلمانان صورت گرفته، مورد توجه مجدد قرار گیرد تا از این منظر، به اصلاح سبک زندگی، اقدام گردد. در این تحقیق که با رویکرد موضوعی صورت گرفته، بدین نتایج دست یافته‌ایم؛ ۱- هدف قرآن و سنت نبوی از خلال دستور به زیباسازی مکان‌ها و ساختمان‌ها این بود، که حکمت‌های بزرگی را که در حفظ مقاصد شریعت است به ویژه دین، تحقق بخشد؛ ۲- در زمینه تمدن و ساخت و ساز ضروری است، کتاب‌ها و آثار موجود در میراث خود را که در زمینه محیط زیست و شهرسازی است، مطالعه کنیم و در آن‌ها دقت و توجه ویژه داشته باشیم؛ ۳- تمدن‌ها به واسطه‌ی عنصر اخلاقی و روحی جاودانه می‌شوند، رسالت خود را انجام می‌دهند و به پیشرفت خود ادامه می‌دهند. زیرا ماده بدون روح، ساختمانی بی‌پایه است و اساس تمدن مسلمانان، دین اسلام است که باید به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم؟ص؟ و اهل بیت؟عم؟ به تفصیل پرداخت تا آن پایه‌ها را کشف کرد.

واژگان کلیدی: قرآن، زیبایی‌شناسی، شهرنشینی، ساخت و ساز، ارزش، تمدن

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۴

صفحه ۷۶ تا صفحه ۹۷

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
kavand@quran.ac.ir

طرح مسئله:

در این مجال، به بررسی ماهیت مبحث زیبایی‌شناسی قرآن کریم و تأثیر آن در زندگی مردم، ریشه‌یابی و بازنمایی عنصر زیبایی‌شناسی در قرآن و مواضع مختلف کاربرد آن در قرآن کریم می‌پردازیم. کلمه «جمیل» در قرآن کریم در هفت موضع ذکر شده که با صبر، صفا، تسریح، هجر و سایر ارزش‌های اخلاقی و روحی مرتبط است؛ لفظ «زینت» و مشتقات مختلف آن، ۴۶ بار در قرآن کریم آمده است. لفظ «خسن» که مترادف واژه «جمال» است، در عبارات و سیاق‌های متعددی آمده و همه این الفاظ، زیبایی‌شناسی و مترادف‌های آن، و مواضع کاربرد آن‌ها در قرآن کریم، فقط به جهت تذکر دائمی به وجود خداوند یکتاست که همه‌ی انوار، خیرها و زیبایی‌ها در این جهان زیبا، از آن ذات لایزال منبعث می‌گردد. زیبایی‌های بهشت، حوریمان بهشتی، باغ‌ها و متاع حیات آخرت، برای دعوت به تقرب به خداوند سبحان، مشارکت در ساختن تمدن، ایجاد آبادانی، تنظیم حیات مردم و اصلاح سبک و سلوک آن‌ها در زندگی صورت گرفته است (در این زمینه نک: (ق:۱۱-۶) و (عبس:۳۲-۲۴)). در بسیاری از سوره‌ها و آیات قرآن کریم، دعوت خداوند سبحان، به تأمل، امعان نظر و تدبر در این جهان شگفت انگیز، به روشنی قابل ملاحظه است. درک و فهم زیبایی، به وفور در دین مبین اسلام مورد توجه واقع شده است. اوامر و دستورات الهی صرفاً برای عبادت و ذکر الهی و یا ترک امیال نفسانی نیامده، بلکه این اوامر، برای دقت نظر بیشتر به هدف بهره‌گیری از هستی و زیبایی‌های موجود در آن و ایجاد ارتباط بین این مسایل زیبایی‌شناختی و عقاید انسان است، تا آنجا که خداوند سبحان طبق روایت شریفه، صفت زیبایی را برای خالق نیز قرار داده و خود، خالق، زیبایی را نیز دوست داشته و کسی را که خود را زیبا می‌سازد نیز دوست دارد؛ پیامبر اکرم؟ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ۴۳۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ۱۵). این مسئله در اشاره‌ی قرآن کریم به چهارپایان مشهود است، به ویژه هنگامی که این چهارپایان پس از چَرا، به سوی صاحبان خود برمی‌گردند، در حالی که پر از خیر و برکت هستند و از روغن و شیر آن‌ها استفاده می‌شود. همچنین هنگامی که در زمین به زیباترین شکل می‌چرند و تصاویر زیبایی را خلق می‌کنند، که نظرها را جلب کرده و اندیشه‌ها را مشغول به خود می‌سازد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل:۶). زمخشری در توضیح معنای جمال می‌نویسد: «خداوند به زیبایی آن‌ها، مانند فایده‌ی آن‌ها برای ما، بر ما منت نهاده، زیرا این مسئله، هدف و غرض صاحبان چهارپایان بوده و حتی از بزرگترین منافع آن‌هاست. زیرا چوپان‌ها هنگامی که در شب هنگام، آن‌ها را می‌برند و صبحگاه آن‌ها را رها می‌کنند، طویله‌ها با استراحت



آن‌ها و سپس حرکت آن‌ها زیبا می‌شود؛ آن‌ها در طویله با صداهای مختلف پاسخ یکدیگر را می‌دهند و با اهل خانه و صاحبان خود مأنوس می‌شوند و مایه‌ی شادی و مسرت صاحبانشان می‌شوند. در چشم ناظران، دارای جلال و شکوه هستند و لباس شوکت و احترام بر تن دارند» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۵۷۴). زیبایی محیط در گرو مصلحت عمومی سرزمین‌ها و بندگان است و خداوند آن را این‌گونه در قرآن کریم توصیف نموده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ* وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر: ۲۷-۲۸). همچنین خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ» (حجر: ۱۶) تفسیر این آیه و موارد شبیه به آن، حاکی از سرواژه‌ی «زینت»، در قرآن است. «زینت»، در قرآن کریم ۴۶ بار آمده است؛ ۲۵ بار در خصوص استدلال بر مسائل و مقاصد مادی در عالم هستی؛ ۱۹ بار به صورت اسمی و ۶ بار به صورت فعلی آمده است. قطعاً تکرار این موارد در قرآن کریم، تصادفی نبوده و با هدف و غرضی خاص است. گویا خداوند از بیان این اسماء و افعال، هدف خاصی اراده کرده و شاید هدف اصلی وی، آگاه‌سازی بندگان و عبرت گرفتن آنان باشد.

مفهوم شناسی زیبایی و زینت

یکی از اساسی‌ترین وجوه زیبایی در قرآن، زیبایی جهان و کائنات است. خداوند در این زمینه فرموده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷). این آیه به گفته‌ی علامه طباطبایی، خلق و زیبایی را ملازم هم می‌سازد و نشان می‌دهد که هر مخلوق، به آن جهت که مخلوق او و منتسب به او است، زیباست و زیبایی، دایرمدار خلقت است. همچنان‌که خلقت دایرمدار حُسن است، پس هیچ خلقی نیست مگر آنکه به احسان خدا حُسن و به اجمال او جمیل است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ۳۱). در زبان فارسی، زیبایی همان خوبی، نیکویی، حُسن، جمال، ظرافت و لطافت تعریف شده است. (دهخدا، ۱۳۹۶ش، ذیل واژه)؛ همچنین به گفته‌ی برخی، عبارت است از: نظم و هماهنگی‌ای که همراه عظمت و پاکی، در شیئی وجود دارد و عقل، تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط، پدید آورد و آن امری است نسبی (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه)؛ راغب نیز حُسن یا زیبایی را چنین تعریف کرده است: «حُسن یا همان زیبایی عبارت است از: هر اثر بهجت آفرین و شادی بخش که مورد آرزو باشد که سه نوع است: الف) حُسنی که مورد پسند عقل و خرد است (زیبایی معقول)؛ ب) حُسنی که از جهت هوی و هوس، نیکوست (زیبایی هوسناک)؛ ج) زیبایی و حسنی محسوس که

طبیعتاً زیبا و خوب است (زیبایی محسوس یا طبیعی)» (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ۴۸۸؛ در این زمینه نک: ابن منظور، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۱۳۶؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۲۶۵)

همچنین «زینت»، اسمی است جامع برای هر آن چیزی که با آن آراستگی صورت گیرد، مانند: زیورآلات و لباس و مانند آن (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ذیل الزینة)؛ از یک منظر، آرایه‌ها و زینت‌ها، اقسام متفاوتی دارند؛ چه بسا آراستگی و زیبایی‌ای چون علم، زینت نفس باشد، یا مانند طراوت جوانی، زینت بدن، و یا مال و مقام که زینت خارجی است (راغب، ۱۴۱۲: زینة). از سویی، مطلق زیبایی، خود، زینت است و ریشه‌ی «زینت» یعنی (زی ن) بیانگر نیکویی در ظاهر هر چیز است، خواه این نیکویی عرضی باشد یا ذاتی (مصطفوی، ۱۳۸۶: زینت). در بیان قرآن، گاه واژه‌ی «زینت» با «زخرف» (انعام: ۱۱۲)، «ریش» (اعراف: ۲۶): «جمال» (نحل: ۶۶) و «حلیه» (نحل: ۱۴؛ فاطر: ۱۲) یکی دانسته شده و در معنای لباس، فلزات قیمتی، اسباب و لوازم خانه نیز آورده شده است (راد و همکاران، ۱۳۹۶ش، ۴۸).

۱. تأثیر کلام قرآن در تأسیس زیبایی‌شناسی اسلامی

پژوهشگران معاصر که در زمینه‌ی علم زیبایی‌شناسی مطالعه می‌کنند معتقدند که علم زیبایی‌شناسی، عملیات و فرایندهای است که در زمینه‌ی علم زیبایی‌شناسی بحث می‌کند و سه عامل، باعث درک آرامش و احساس خوب بودن می‌شود. اولین عامل، موضوع خارجی متناسب با خواسته‌ی ماست و دومین عامل، محیط پیرامونی است و سومین عامل، روح درک کننده و نفس مُدرکه است. زیرا زیبایی، درک ارزش‌های ذاتی و قراردادی و احساس آن‌هاست؛ این مسئله باعث درک نظم و کمال می‌شود. زیرا زیبایی، ارزش حاصل از ماهیت شیئی است که آن را احساس و درک کرده و مطابق آن حکم صادر می‌کنیم و نظر می‌دهیم. این درک، به حقیقت و خیر اشیاء ارتباط دارد. شایان ذکر است: مفهوم زیبایی، با فهم و درک انسان معنا پیدا می‌کند تا آن‌جا که دانشی محسوب می‌شود که به معنای درک حسی اشیاء یا علم شناخت حسی و سایر تعابیر از این دست است. سخن درباره‌ی زیبایی‌شناسی اسلامی، صرفاً در پرتو قرآن کریم قابل تحقق است و هیچ چیزی فراتر از تعبیر قرآن نمی‌تواند در ایجاد و تقویت حس خشنودی و آرامش مؤثر باشد. ابن قیم جوزیه، تعبیر زیبایی درباره‌ی حقیقت زیبایی آورده است. وی می‌نویسد: «حُسن که به معنای زیبایی است، امری مرکب از چند چیز است: زیبایی، روشنایی، نیکویی ساختار، شکل و نظم و سرخ شدن پوست؛ این معنایی است که در عبارت نمی‌گنجد و به وصف نمی‌آید. همچنین مردم، اوصاف و ویژگی‌هایی دارند که می‌توان با الفاظی از آن‌ها تعبیر کرد و رسول خدا در قله‌ی بلند این اوصاف است» (ابن قیم، ۲۰۱۳م، ۱۵۰). بدیع الزمان سعید



نورسی (زاده ۱۸۷۶م - درگذشته ۱۹۶۰م) که از پیشگامان اندیشه‌ی نوین اسلامی در ترکیه و از بنیانگذاران علم زیبایی‌شناسی اسلامی است معتقد است: محال است که بتوان علم زیبایی‌شناسی اسلامی و تمدنی را در غیاب تعبیر قرآن ایجاد یا تقویت کرد (نورسی، بی تا، ۵۶۸). بنابراین، زیبایی‌شناسی اسلامی یکی از ارزش‌های سه گانه‌ی حقیقت، خیر و زیبایی است که قوام انسانی که چنین موزون خلق شده، به آن بر می‌گردد. این مسئله در قرآن کریم در موارد متعدد ذکر شده است و با الفاظ مختلف آمده تا جایی که این الفاظ و مفاهیم زیبایی‌شناسی که به شکلی موزون و هماهنگ در قرآن کریم آمده و با اهداف شریعت منطبق است، انسان را به شگفتی وا می‌دارد. نذیر حمدان، که از همفکران نورسی است معتقد است: قرآن مصدري ربانی و الهی دارد، که تاج اعجاز بیانی بر سر داشته و عرب را از حیث بیانی به هم‌آوردی طلبیده است و همگان را در عرصه‌ی دین و نظام، به تحدی دعوت کرده و با این زیبایی‌ها و زیبایی‌شناسی‌ها و عظمت موجود در این اعجاز بیانی، زیبایی‌شناسان را به هم‌آورد طلبیده است (حمدان، ۱۴۱۲ق، ۶). بزرگ‌ترین هدف زیبایی‌های موجود در عالم هستی، توجه دادن به این مسئله است که خالق این زیبایی، محاسن و زیبایی‌هایی دارد که خوشنودی و محبت انسان را به سوی خود جلب می‌کند و انسان، ارتباط میان خالق و مخلوق را درک می‌کند و درک او نسبت به زیبایی آنچه می‌بیند و حس می‌کند، بیشتر می‌شود. زیرا او همه چیز را از ورای زیبایی خدا و جلالت او می‌بیند... (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ۲۸۰۸). لفظ «زینت» و «زخرف»، از الفاظ زیبایی‌شناسی قرآن است که ما را به سوی زوایای مادی، تمدنی و عمرانی می‌کشاند؛ زینت در ۴۶ مورد در قرآن آمده است. به عنوان نمونه در توضیح آیه «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات: ۶)؛ باید گفت: زینت شامل زینت معنوی و مادی است. زینت معنوی مثل تزئین قلب، با ایمان است و زینت حسی، مانند تزئین آسمان، با کواکب است. دلالت زینت، با دلالت جمال متفاوت است. زیرا زینت، نیکویی زاید بر اصل شی است که پیش از آن در آن شی نبوده، اما جمال، زیبایی قائم به ذات آن شی و موجود در آن شی، یا زیبایی‌ای که به آن اضافه شده است. بنابراین تزئین یعنی زیباسازی شی و نیکو کردن آن با استفاده از مواد اضافی زائد بر ماهیت و اصل شی، مانند: تزئین خانه با فرش‌ها و جام‌ها و اثاث منزل، و تزئین زن با جواهرات و لباس‌های زیبا و سایر موارد از این دست. زخرف نیز در قرآن کریم در چهار مورد آمده و باعث اهتمام مسلمانان و خطاطان و مهندسان قدیم در تمدن اسلامی به ساخت قصرها و ساختمان‌ها و تعمیر آن‌ها به واسطه‌ی زینت و زخرفی که در نمادها و نقوش بوده شده است. همچنین بنای مساجد به صورتی بوده که از تصاویر زیبای گیاهی و زینت‌های نباتی و خطوط عربی درهم فرورفته و موزون

استفاده شده است. تنوع در مظاهر هستی، مایه‌ی تربیت زیبایی‌شناسی و ذوقی است که مصداقی است از آنچه در سوره انعام آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۹۹) همچنین در سوره یونس «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَحَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَبْزَيْتَتْ...» (یونس: ۲۴) نیز مسئله قابل مشاهده است. گاهی نیز آیات به زینت نباتات، بدون تصریح مستقیم اشاره می‌کند، مانند آیه: «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٍ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (عد: ۴) بوستان‌های انگور و انواع کشت‌ها و خرماها و نخل‌ها در قطعه زمین‌های نزدیک به یک‌دیگر هستند و برتری دادن برخی از آن‌ها بر برخی دیگر از نظر طعم و رنگ - با اینکه همه آن‌ها با یک آب سیراب می‌شوند و از یک خاک بهره می‌گیرند و عملیات نورگیری برای آن‌ها واحد است- دلالت تضمینی بر این دارد که شگفتی فراوانی در این زیبایی وجود دارد و همه این‌ها مایه تدبر و دقت نظر است (نک: قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ۲۹۴). زیبایی، بخشی اصیل و جدایی‌ناپذیر از سیستم دستورات الهی است، چنان‌که بخشی جدایی‌ناپذیر از اراده الهی در ابداع و نوآوری سیستم جهان و حرکت آن است. قرآن کریم در درک زیبایی، اسلام یا ایمان را شرط نمی‌داند بلکه سلامت ابزار درک را شرط می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» (ق: ۳۷). نایب‌ها در مورد رنگ نمی‌توانند قضاوت کنند و همین‌طور جاهلان و نادانان در مورد ارزش جهان نمی‌توانند نظری دهند. همین‌طور افراد ناشنوا در مورد لحن‌ها و ملودی‌ها نمی‌توانند قضاوتی داشته باشند و فرد کافر و بی‌ایمان نیز نمی‌تواند درباره ایمان، قضاوت کند. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا لُونُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ» (بقره: ۶۹). طبق این آیه شریفه، حکم کردن به زیبایی گاو، در واقع، جمع بین زیبایی، صحت و درستی بینایی است؛ رنگ زردی که زیبایی ذاتی دارد؛ این زیبایی را هیچ فرد نایب‌نایی نمی‌فهمد و صرفاً ابزار دیدن که چشم است می‌تواند آن زیبایی را ببیند و به آن حکم کند. سنت پیامبر اکرم؛ ص؟ معیارهایی را برای زیبایی و شناخت آن تعیین کرده که در سه چیز تمثل یافته است: ۱. شمایل النبوی؛ ص؟ به این اعتبار که از نظر خلقت و آفرینش و اخلاق، برترین مردم و کامل‌ترین آن‌هاست. ۲. احکام شرعی که از میان آن‌ها وجوه استحباب و نهی قابل اشاره است. ۳. عقیده‌ی انسان



و استحکام نیت و اراده‌ی او که بیان‌کننده زیبایی باطنی است. آیات بسیاری، منبع الهام در طراحی اولیه‌ی باغ‌های اسلامی در اندلس و سایر کشورهای اسلامی بوده که در آن‌ها قصرهایی ساخته شده است. همچنین ساختمان‌ها، مساجد، جاده‌ها و محله‌هایی ساخته شده که جنبه‌ی ایمانی و عقیدتی در آن‌ها بسیار مشهود است. پرسشی مهم وجود دارد که چرا ساخت و ساز در قالب تمدن اسلامی کاهش یافته و ما طرح اسلامی را کنار گذاشته‌ایم و به سبک ساخت و ساز اروپایی پرداخته‌ایم؟ چرا به تقلید سبک مخربی پرداختیم که اصالت هویت و ثبات فرهنگ دینی ما را از بین برده است؟ چرا ارزش‌های دینی را در زندگی روزمره خود کنار گذاشته و به دنبال ارزش‌های جایگزین بوده‌ایم و آن‌ها را به عنوان شاخص‌های ارزش تمدن خود دانسته‌ایم؟ این موارد، در واقع ارزش‌های غربی و غیر اسلامی و مخربی هستند که فرهنگ ما را دچار خدشه و نابودی ساخته‌اند. یکی از موارد میانه‌روی در طلب معیشت و پرهیز از زیاده خواهی، در حدیث جابر ابن عبدالله انصاری به نقل از رسول خدا بیان شده که ایشان فرمودند: «ای مردم؛ تقوای الهی داشته باشید و در طلب خواسته‌های خود میانه‌رو باشید، زیرا انسان هرگز نمی‌میرد تا زمانی که روزی‌اش فرا رسد، هرچند در دریافت آن کندی ورزد، پس تقوای خداوند را پیشه کنید و در درخواست خود، میانه‌رو باشید؛ از آنچه حلال است بگیرید و آنچه را که حرام است رها کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۷۴). آیه هفتم سوره کهف: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» به روشنی دلالت بر این دارد که گیاهان، زینت هستند. همچنین زینت مادی در قرآن کریم بدان دلیل آمده تا در رفتار عملی و زندگی، بدان استدلال شود و طبق آن عمل گردد. زینت مادی عبارت از زینت ظاهری است که مفهوم آن به مسائل مادی برمی‌گردد و ۲۵ بار در قرآن کریم آمده که ۱۹ مورد آن به صورت اسمی و ۶ مورد آن به صورت فعلی به کار رفته است. صیغه‌هایی که در استعمال اسمی برای دلالت بر مسائل مادی در قرآن کریم آمده با تکرار آن‌ها در قرآن عبارت است از: الزینة یا زینة (۱۱ بار): نحل ۸، کهف ۷ و ۲۸ و ۴۶، طه ۵۹ و ۸۷، نوره ۶۰، صافات ۶، یونس ۸۸، حدید ۲۰، اعراف ۳۲؛ زینتها (سه بار): هود ۱۵، قصص ۶۰، احزاب ۲۸؛ زینتهن سه بار در یک آیه: نور ۳۲؛ زینتکم یک بار: اعراف ۳۱؛ زینته یکبار: قصص ۷۹. همچنین صیغه‌هایی که در استعمال فعلی برای دلالت بر مسائل مادی آمده عبارتند از: زَيَّنَّا سه بار: صافات ۶، فصلت ۱۲، ملک ۵؛ زَيَّنَّاهَا دو بار: حجر ۱۶، ق ۶؛ إِزَّيَّنْتَ یکبار: یونس ۲۴.

۲. تقویت تمدن انسان در قالب زیبایی‌شناسی قرآن

سخن درباره‌ی زینت جهان، زمینه‌ی صحبت درباره ساخت و ساز و عمران و تمدن را

فراهم می‌آورد. کافیست یک بار به آسمان نگاه کنیم تا این زیبایی و زینت را دریابیم و ببینیم و درک کنیم زیبایی، عنصری است که هدف نهایی آفرینش جهان است و این آفرینش، کاملاً زیبا شکل گرفته و به زیبایی هماهنگ شده است. و این زیبایی، ماهیتی عمیق و غیر سطحی است و طراحی آن بر اساس زیبایی خلقت شکل گرفته، همچنان که به همان اندازه، بر اساس کمال، وظیفه‌ی مخلوقات می‌باشد. هر چیزی در خلقت، اندازه و قدر خود را دارد و هر چیزی وظیفه‌ی خود را به دقت ایفا می‌کند و در مجموعه‌ای زیبا قرار گرفته است. آسمان‌ها و ترکیب ستارگان، زیباترین تصویری است که چشم‌ها می‌بیند و پیوسته هرچه به آن نگاه کند خسته نمی‌شود، هر ستاره و هر سیاره نور خود را دارد. گویا چشمه‌ی محبت است که مقابل چشمان ما طنازی می‌کند و اگر بدان خیره شوی و در آن بنگری پنهان می‌گردد. اگر از آن، روی برگردانی می‌درخشد. جایگاه‌ها و منازل آن، شب به شب و لحظه به لحظه، تغییر می‌کند و تصویری جذاب پدید می‌آورد که هرگز روح انسان از دیدن آن خسته نمی‌شود (ابوعلیان، ۱۴۳۰ق، ۲۶۰). زیبایی‌های طبیعت و شگفتی‌های هستی و نظم و ترتیب موجود در وجود انسان و جهان و نعمت تعقل و تدبیر بنده‌ی مومن، گنج تمدن اسلامی و سرّ تفاوت و برتری آن نسبت به سایر تمدن‌هاست. یکی از مظاهر قدرت تمدن اسلامی، که فرهنگ اسلامی از شاخه‌های فرعی آن محسوب می‌شود این است که، با تمدن‌ها و فرهنگ‌های نیاکان ما که پیش از آن زیسته‌اند آمیخته شده است و آنچه را با اصول خود متناسب بوده از آن برگرفته و از تمام آن‌ها، تمدن متعالی و متمایزی را به وجود آورده است و این توانایی خود را در رویارویی با سایر تمدن‌ها و توان نفوذ در آن‌ها - با وجود اختلاف مشرب این تمدن با آن تمدن‌ها - در طول قرن‌های متمادی ثابت کرده است. توبین بی، معتقد است که ویژگی دینی، مهم‌ترین چیزی است که می‌تواند تمدن را توصیف کند. وی تمدن را چیزی می‌داند که در پرتو دین پدید آمده و با بهتر است بگوییم که تمدن، یکی از ثمرات دین است. زیرا دین از نظر او، پاسخ موفق روح به یک چالش خارجی است که به لطف آن، جامعه از حالت رکود به حالت حرکت و تکاپو در می‌آید. تمدن اسلامی، دارای ارکان و ترکیبات و پایه‌هایی است که باعث شده، در بین همه‌ی تمدن‌های جهان به عظمتی والا دست یابد. شاید مهم‌ترین چیزی که ارکان تمدن اسلامی را از سایر ارکان تمدن‌های دیگر متمایز می‌سازد آن است که، این ارکان، جهانی است و از بُعد انسانی برخوردار است و رشد و پیشرفت آن جز با بازگشت به معارف الهی و پایبندی به قرآن کریم و اصول اخلاقی و معنوی دین مبین اسلام تجدید نخواهد شد (نجم، ۲۰۱۰م، ۱۵۰).



به گفته گرابار،^۱ صنعت آرابسک^۲ عربی، فقط یک زینت‌نگاری نیست، بلکه کارکردی رمزگونه دارد و تمام اشکال آرابسک، در قصر الحیر شرقی و غربی (در شام که توسط هشام بن عبدالملک در سال ۷۲۷ م و ۷۲۸ م در جنوب تدمر ساخته شده) یا در قصر مشتی (کاخ زمستانه در اردن که در دوران ولید دوم، خلیفه اموی ساخته شد اما ناقص رها شد) یا ویرانه‌های قصر هشام در غرب اردن، چه هندسی و چه گیاهی، نشان می‌دهد که با اصولی انتزاعی ساخته شده که در رأس همه‌ی مراتب زیبایی‌شناسی اسلامی است. این بدان معناست که ما در مقابل سازه‌ای متحرک و غیر ساکن ایستاده‌ایم. در واقع در مقابل الگویی ایستاده‌ایم که گروهی از ساخته‌های همگون و متناسب با یکدیگر را ایجاد کرده است. پس عناصر زینت شناختی و زخرف‌گونه را نمی‌توان به عنوان واحدهای جداگانه یا ساخته‌های طبیعی پنهان از چشم ما توصیف کرد (بهنسی، بی تا: ۱۱۹). ابن خلدون، شهرنشینی و عمران و آبادانی را یکی از مؤلفه‌های تمدن می‌داند و آن را در ادامه و تابع تجملاتی می‌داند که از تمدن ناشی می‌شود. وی معتقد است که ساخت ساز و طراحی نقشه برای ساخت منازل، از جاذبه‌های تمدن است که تجمل‌گرایی و آسایش طلبی، ما را به سوی آن فرا می‌خواند (ابن خلدون، ۱۴۲۹ق: ۲۶۹ و ۳۱۹؛ همچنین نک: ابوخلیل، ۱۴۱۷ق، ۶۷). برخی دیگر آن را اینگونه توصیف کرده‌اند: عمران و آبادانی، تصویری است که شخص از آنچه در جهان و زندگی بدان باور دارد ایجاد می‌کند. باید بررسی کرد که پیامد تعریف ما از دو واژه ابداع و اعتقاد چیست و ابداع به چه معناست و چرا با اعتقاد قرین شده است؟ چگونه می‌توانیم از حالت ایمانی حسی و درونی به سوی خلاقیت میدانی حرکت کنیم؟ در قرآن کریم توصیف زیبایی‌شناسی در باب تزینات، وسایل، بناها، صندلی‌ها و نشیمن‌گاه‌ها آمده است. سوره الرحمان، بدیع‌ترین و شگفت‌آورترین تصاویر مادی و حسی را در خود دارد؛ همچنین پارک‌ها، بوستان‌ها و میدان‌های تفریحی، مصداق این سخن خداوند است که می‌فرماید «وَمَا رَأَىٰ مَصْفُوفَةً» (غاشیه: ۱۵). همچنین وجود باغ‌ها که همان بوستان‌ها و کشتگاه‌های پشت خانه‌هاست و برای خورد و خوراک اهل آن منطقه و سهولت انتقال آن محصولات زراعی بین باغ‌ها و محل سکونت آن‌ها ایجاد شده، از این واقعیت گرفته شده است که خداوند یکی از برکات خود را بر مردم منطقه سبا، وجود باغ‌های پشت خانه‌هایشان قرار داده بود. خداوند به همین خاطر فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ» (سبا: ۱۵). خداوند خانه را محل سکونت نامیده زیرا دلالت دارد بر اینکه

۱. Oleg Grabar.

۲. Arabesque؛ نقوش گیاهی پیچکوار و درهم پیچیده که مشخص‌ترین نقشمایه تزئینی هنر اسلامی است.

از همه‌ی چیزهایی که به انسان آسیب می‌رساند، مانند سر و صدا و حشرات، دور است و امکانات رفاهی مانند غذا، نوشیدنی و تخت‌خواب در آن وجود دارد. اجزای ساختاری خانه و فرش‌ها در قرآن بیان شده است؛ برای پزشکان کاملاً مشخص است که نور و آفتاب برای سکونت سالم، ضروری است. فقها در گذشته از این امر آگاه بودند و اجازه‌ی ایجاد طاقچه و پنجره در خانه‌ها را جهت ورود نور و آفتاب به شرط عدم مزاحمت برای همسایگان، می‌دادند (تطیلی، ۱۹۹۹م، ۱۰۸). هنرمندان، سازندگان و مهندسان، برای طراحی‌ها و ایده‌های خود از آن الهام می‌گرفتند. رژه‌گاردی معتقد است: هنر در اسلام، هر اندازه که به واقعیت اشاره دارد، هدف و غایتش سرگرم کردن خود و فرار از واقعیت نیست، بلکه احضار واقعیتی است که با درک حسی نمی‌توان به آن رسید. در واقع، هدف هنر اسلامی، شهادت به وجود خداوند است... (گارودی، ۱۹۸۵م، ۱۳۰). این مسئله در الهام‌گیری از هنر محوطه‌سازی و بوستان‌سازی که برگرفته از نمونه‌ی قرآنی است و بهشت و باغ‌های آن را توصیف کرده، نمایان می‌گردد. این حقیقت را مطالعات متفکر مشهور و فیلسوف آلمانی، آنه ماری شیمل^۱ که شیفته‌ی علم زیبایی‌شناسی اسلامی است آشکار کرده است؛ پژوهش مهمی که وی انجام داده، مطالعه‌ی زیبایی‌شناسانه هنر محوطه‌سازی باغ هاست و اینکه چگونه آیات قرآن، بهشت و رودخانه‌های چهارگانه آن را به تصویر می‌کشد. تصویری که مهندسان را به تجسم کانال‌های آبی که در باغ‌های ایران و هند اسلامی، شاهدش هستیم ترغیب کرد. این مطالعه پر است از برداشت‌های صوفیانه از رمزهای قابل مشاهده در باغ، مثل چرخه‌ی زندگی، به گونه‌ای که زمین پس از مرگ خود، با بهار به رویش و زندگی خود برمی‌گردد. پژوهش وی نشان می‌دهد که چگونه این رویش در بهار، نشانه‌ی رستاخیز است و چگونه نماد گل سرخ روشن، شبیه شعله است و چگونه می‌توان آن را به آتش ابراهیم که برای ابراهیم خلیل مایه‌ی خنکی و آرامش بود مرتبط دانست. او ما را از طریق این نمادها و تعابیر و تفاسیر و تاریخ آن‌ها، از یک نگاه تاریخی - فلسفی و زبانی، با رایحه‌ای صوفیانه، به گردش می‌برد تا توضیح دهد که چگونه مسلمانان زیبایی را، راهی به سوی عبادت و مفهوم متعالی می‌دانند که منجر به شناخت عظمت خداوند متعال می‌شود (قضاة، ۱۹۸۸، ۳۴-۳۵). اسلام توانست هنر را از عبادتگاه‌ها به طبیعت پهن‌آور و جهان گسترده بکشاند و آن را از خدمت به خدایان، به خدمت به خدای واحد تبدیل کند. از نظر یک فرد مسلمان، همه‌ی موجودات در نسبت با خداوند وجودشان معنا پیدا می‌کند. زیرا آن‌ها مخلوقات و آفریده‌های او هستند و وجود آن‌ها قائم به خداوند است و همه‌ی صحنه‌ها و مسایل، از زاویه فضل الهی دیده می‌شود و این بر خلاف مفهوم



غربی و اومانیستی انسان است که وی را مرکز، قرار داده و از خلال این مرکز، تصاویر و اشیاء دیده می‌شود. به گفته‌ی غزالی، زیبایی و زشتی در غیر محسوسات نیز وجود دارد، زمانی که گفته می‌شود: این، خُلق نیکوست و این، دانش نیکوست و این، سیره‌ی حسنه و این اخلاق زیباست (غزالی، بی‌تا، ج ۴، ۲۹۹ و شبیه به این تعابیر در ۳۹۶). بنابراین زیبایی معانی که با عقل درک می‌شود، برتر از زیبایی تصاویری است که با چشم‌ها دیده می‌شود. اسلام، آرمان کمال و خیرخواهی در همه چیز را در روح پیروان خود نهادینه کرده و زیباسازی هر آنچه که انسان می‌سازد را از اهداف فرد مسلمان قرار داده تا به بهترین شکل زیبا گردد. خداوند در این زمینه برای انسان، ذات انسان را مثال زده است؛ خداوند می‌فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷)؛ همچنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون: ۱۴-۱۲)

أحسن، یعنی آن را استوار ساخت و آفرینشش را اتقان بخشید (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ۵۱۰؛ طبری، ج ۲۰، ۱۷۱). یکی از نشانه‌های کمال که زیبایی را مشخص می‌کند آفرینش انسان به بهترین وجه است. همانگونه که انسان را به بهترین شکل آفرید و همانگونه که خداوند او را در بهترین حالت توازن آفرید، وی نیز باید برای رسیدن به رضایت خداوند متعال، بر کار خود مسلط شود و آن را اصلاح و زیباسازی کند. خداوند متعال درباره آسمان اینگونه می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَرَبَّيْنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ* وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ* تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ» (ق: ۸-۶).

به گفته قرطبی، در خلقت خداوند رحمان، کثرت، تناقض و تباین نمی‌بینی بلکه تنها استقامت و استواء است که دلالت دارد بر خالق آن، هرچند صورت‌ها و صفات با یکدیگر اختلاف و تفاوت دارد (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۸، ۲۰۸). این دقیقاً ما را دعوت می‌کند به اینکه کارهای خود را کامل انجام دهیم و در تجارت و فعالیت‌های خود تقرب، دروغ و نیرنگ نداشته باشیم. همچنین رسول خدا ص؟ می‌فرماید: «حکایت من در میان پیامبران، حکایت مردی است که خانه‌ای ساخته و آن را خوب و کامل و زیبا درست کرده باشد و فقط جای یک خشت در آن باقی گذاشته باشد. مردم دور آن خانه می‌چرخند و از آن خوش‌شان می‌آید و می‌گویند: کاش جای همین یک خشت هم تکمیل می‌شد. آری؛ من در میان پیامبران جای آن خشت هستم» (ری شهری، ۱۳۹۳ش، ج ۱۲، ۶۷). در حقیقت در این حدیث مثالی است برای تقریب به ذهن ما و فضیلت پیامبر اکرم ص؟ بر سایر پیامبران که خداوند

او را خاتم المرسلین قرارداده و شرایع دین را با او کامل کرده است. دوری از نقص و عیب، از معیارهای زیبایی در اسلام بوده و همچنین پاره‌ای از مصادیق کاربرد آن، در ساختمان‌ها و عمران و آبادانی در دوره‌های پر رونق ساخت بناهای اسلامی بوده است. از جمله معیارهای زیبایی در اسلام این است که، زیبایی‌شناسی اسلامی بین دین و دنیا تمایزی قائل نمی‌شود، بلکه میان ابعاد مادی و معنوی زیبایی، ارتباط و اتصال تام برقرار می‌کند. تردیدی نیست که انگیزه‌ی ناخودآگاهی نسبت به ادغام تصویر آسمان‌ها در مکان‌های عبادت بوده و این مسئله، مسلمانان را بر آن داشته تا گنبد مساجد را بسازند. گنبد مسجد در اینجا علی‌رغم زیبایی ظاهری و تقارن شکل آن، ندایی برای تمام بشریت است که دین اسلام، جدایی روح از جسم، آسمان از زمین و دین از دولت را منع کرده است. و انسان وقتی سرش را بلند می‌کند تا به زیبایی آن نگاه کند، روحش را در حال پرواز در ملکوت وسیع خداوند خواهد یافت.

۳. آثار تمدنی زیبایی‌شناسی در قرآن کریم

هنر به طور عام و معماری به طور خاص، یکی از واقعی‌ترین اخبار تاریخ قلمداد می‌شود. هنر یکی از مهم‌ترین علوم مهندسی روح و جسم است و از جایگاه بلند و بالایی در میان این علوم برخوردار است. زیرا مانند یک دایرة المعارف و نیروی حاوی تصور و تخیل عمومی ملت‌ها و امت‌ها، قادر است که ارتباط و تعاملی متمدانه ایجاد کند. هنر معماری، قوی‌ترین ابزار در ایجاد ارتباط با دیگران است. هنر معماری اسلامی، نقش بزرگی در ایجاد گفتگوی هنری تمدنی متمایز دارد. زیرا از هویت خود شروع کرده و ویژگی فرهنگی خویش را حفظ و از طریق زیبایی‌خلاقیت هنری خود توانسته چهره‌ی واقعی تمدن خود را ارائه دهد (احمد، ۲۰۱۰م، ۴۰). معماری میراث اسلامی یا همان عمارت اسلامی، مرجع و منبع الهام برخی معماران برای پیوند میان اصالت با معاصرت شده است. معماری اسلامی، واژگان معماری خود را برای دستیابی به این هدف، وارد فضای الگوی معماری کرده است، واژگانی مثل آبشخورها، طاق‌ها و گنبد‌ها که باعث شده معماری مسلمانان به این قالب‌های سنتی محدود شود با اینکه این واژگان معماری، پیامدهای محلی مواجهه با عوامل اقلیمی یا اهداف سازندگی یا تحت‌اللفظی یا فرهنگی است که دیگر در زندگی معاصر وجود ندارد. این مسئله پس از آن بود که دانش‌های ساختمان سازی مدرن، گزینه‌های دیگری برای آن یافت و این امکان بود که تولیدات محلی و بومی نیز از آن‌ها ارائه کرد. با این حال مسلمانان، اندیشه‌ی معماری را در شکلی محدود می‌کنند که بیشتر برگرفته از متن میراثی است که ابداعات و ابتکاراتش در دوره‌های طلایی اسلامی و



سرزمین‌های محدود، ما بین شرق و غرب عربی و اسلامی بوده است. اکنون که در زمینه معماری اسلامی سخن می‌گوییم، نباید فراموش کنیم که اسلام، محدود به زمان یا مکان خاصی نیست؛ اسلام در چین باشد یا در آفریقا یا در جای دیگر، هیچ فرقی نمی‌کند. زیرا تعالیم و آموزه‌های آن تا روز قیامت ثابت است و تغییر نمی‌کند. ولی شکل معماری که با تغییر مکان و زمان تغییر می‌کند، باعث می‌شود که از محتوای فکری معماری اسلامی، نظریه‌ای جهانی ایجاد شود که شامل همه‌ی مناطق و سرزمین‌ها شود. بنابراین ضروری است که مفهوم شکل در معماری را با مفهوم واژگانی که به جای واژه‌ی محیط، عمارت، مسکن و... در قرآن آمده، ربط دهیم. اصطلاح «بیئه» یا محیط به دلیل ذکر مشتقاتش در قرآن کریم در چند سوره‌ی مختلف، اصطلاحی اسلامی به شمار می‌رود؛ خداوند می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأْ لِقَوْمِكَ مَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَتَشَارِعُوا الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۸۷)؛ یعنی برای آن‌ها خانه‌هایی در مصر برای نماز و عبادت در نظر گیرند. کلمه محیط در قرآن کریم و روایات نبی مکرم اسلام، صرفاً زمانی استعمال شده که منظور از آن، زمین و اجزای بی‌جان آن بوده است، که مظاهری از سطح زمین و جلوه‌های آن مانند کوه‌ها، فلات‌ها، دشت‌ها، سنگ‌ها، مواد معدنی خاک و غیره را شامل می‌شود و در واقع مجموعه چیزهایی است که حیات انسان و گیاهان و حیوانات، چه در خشکی و در چه آب، از آن شکل گرفته است. محیط با این مفهوم در قرآن کریم ۱۹۹ بار در سوره‌های مختلف استعمال شده است (طنطاوی، ۱۳۷۶ش، ذیل واژگان مرتبط مورد اشاره در پیش). به گفته‌ی قرضاوی، «بیئه» همان محیطی است که انسان در آن زندگی می‌کند و زمانی که سفر می‌کند و از آن دور می‌شود، به آن باز می‌گردد. پس محیط مرجع نهایی انسان است (قرضاوی، ۲۰۰۱، ۶۷). خداوند سبحان می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَاكُمْ فِي الْأَرْضِ أَنْ تَخْتُونَهُمْ مِنْ شُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْجِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا ۖ فَادْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۷۴)؛ قصر در این جا دلالت بر ساخت و ساز، عمران، زیباسازی و بهره‌گیری از زمین دارد؛ از این آیه در می‌یابیم: ساخت و ساز، بخشی از محیط است که با همه محتواهای هستی‌شناختی‌اش، چه زنده و چه بی‌جان، مکرر در قرآن کریم آمده است. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان: ۲)؛ همچنین می‌فرماید: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)». همه‌ی این‌ها اشاره به محیط و ساخت و ساز دارد و این‌که ضروری است، انسان، عدالت و اعتدال را در معامله با محیط و عناصر آن در نظر گیرد. حفظ تنوع بیولوژیکی که پایه و اساس زندگی در روی کره زمین است، در این چارچوب قرار

می‌گیرد. همانگونه که حیات وحش، منبع اصلی تأمین مواد غذایی و مواد اولیه مورد نیاز انسان جهت ساخت لباس و غیره بوده است و به انسان این امکان را می‌دهد که با شکار، سرگرم شود و یا در زمین و طبیعت به تفریح بپردازد، شاید آنچه بسیار حائز اهمیت است این است که بسیاری از گونه‌های زنده، نقش اساسی در تثبیت آب و هوا و حفاظت از منابع آب و خاک دارند؛ همچنین فراوانی و کثرت گونه‌های زنده، انبوهی از اطلاعات در مورد ویژگی‌های ژنتیکی را فراهم می‌کند که انتخاب محصولات جدید را برای ما آسان می‌سازد و به بهبود محصولات موجود کمک می‌کند. ولی باید دانست که این مسئله بدون تلاش انسان و آگاهی‌اش از تمدن اسلامی تحقق نخواهد یافت. بنابراین ما به عنوان مسلمان باید به این مسائل اهتمام داشته باشیم:

۱-۳. اهتمام به بوم‌شناسی اسلامی و تاسیس آن

علم محیط یا اکولوژی، علمی است که سیستم‌ها، روش‌ها و ابزارهایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که به رصد و تجزیه و تحلیل مشکلات زیست محیطی و بررسی پیامدهای اجتماعی، بهداشتی زیبایی‌شناختی، اقتصادی، استراتژیک و سایر پیامدها کمک می‌کند. این باعث می‌شود که راه‌حل‌های مناسبی برای مقابله با چالش‌ها و معضلات پیدا شود و قوانینی حاکم بر درک و فهم محیطی نگاشته شود. این قوانین قابل تبدیل به برنامه‌های اجرایی معتبر خواهد بود. لذا دانشگاهیان کمابیش بر این باورند که آگاهی از محیط زیست به معنای درک مبتنی بر کشف و فهم روابط و مشکلات محیطی از نظر علت‌ها، تأثیرات و راه‌حل آن‌ها است. در واقع این مسئله، درک انسان نسبت به نقشی است که در مواجهه با محیط دارد (در این زمینه نک: نجار، ۱۹۸۳م، ۶۶۶). بنابراین بسیار ضروری است که امروز با توجه به شرایط عصر پسامدرن، توجه ویژه‌ای به تأسیس بوم‌شناسی اسلامی گردد تا سبک زندگی با توجه به این امر مهم، به ویژه در کشورهای اسلامی و از جمله ایران اسلامی اصلاح گردد.

۲-۳. تاسیس مدارس و مراکزی برای آموزش زیبایی‌شناسی محیطی

زیبایی، مسئله‌ای ذاتی در احساس و فهم انسان است. تا جایی که به دانشی تبدیل شده که منظور از آن، درک حسی اشیاء یا علم شناخت حسی یا علم حساسیت و سایر موارد از این دست است. ذوق، ملکه یا همان حس مرکزی و اصلی انسان است، تا از زیبایی و ایجاد آن لذت برد. در شکل‌گیری ذوق، عوامل متعددی تأثیر دارد: عوامل زبانی، اجتماعی، فکری، روانشناختی، تربیتی و سایر موارد. بنابراین ضروری است که با فعالیت‌های زیبایی‌شناسی نیاکان‌مان آشنا باشیم. چرا که در بسیاری از زمینه‌های معرفت‌شناختی،



میراث فرهنگی ما مانند فلسفه، بلاغت، علم کلام، پزشکی و علم موسیقی قابل مشاهده است. مکاتب زیبایی‌شناسی معاصر، در قرن گذشته تلاش داشتند تا زیبایی‌شناسی آن‌ها شامل زیبایی‌شناسی محیطی (Environnement Aesthetics) باشد که هدف آن هدایت قضاوت زیبایی‌شناسی در رویارویی با مسئله محیط است، که ویژگی‌هایش در پیش بیان شد (عبدالحمید، ۲۰۰۱م، ص ۷۲-۵۹). از آنجا که مفهوم زیبایی‌شناسی محیطی در اسلام، از ابعاد زمانی، مکانی و انسانی فراتر است، شامل همه‌ی منابع کیهانی‌ای است که در چارچوب رابطه‌ای که قانون اسلامی برای تنظیم اصول تعامل انسان با عناصر سازنده طبیعت و خالق تعریف کرده، سازمان یافته است. باید دید چه راهکارهایی وجود دارد که از طریق آن‌ها، سلیقه‌ی زیبایی‌شناسی از ذائقه‌ی نفسانی فردی، به ذائقه‌ی جمعی تبدیل شود. تا درون اخلاقیات کاربردی و سیستم ارزش‌های عملی‌ای وارد گردد، که رفتار افراد را نسبت به محیط تعیین کرده و مردم را به خالق واقعیشان نزدیک می‌کند. واژه‌ی «ارض» در قرآن کریم ۳۹۰ بار ذکر شده که در آن آیات، مجموعه‌ای از حکمت‌ها و اهداف آمده است. به عنوان نمونه خداوند آن را مسخر انسان قرار داده تا از آن بهره‌مند شود و آن را آباد سازد و اصلاح کند و از این رو نهی شده که انسان در زمین فساد ایجاد کند و به آن آسیب وارد آورد. این که خداوند تعالی آن را به زیباترین و کامل‌ترین شکل ممکن آفریده است، شرایطی را برای انسان فراهم کرده تا زمین را آباد سازد تا دین و دنیایش آباد گردد. «سما» و «سماوات» نیز در قرآن کریم ۳۱۱ بار تکرار شده که نشان از اهمیت مسئله آسمان و خیر و برکت و باران نازله از آن را دارد. خداوند متعال آسمان را به همراه زمین در تسخیر انسان قرار داده تا از آنچه بین آسمان و زمین است، بهره‌مند گشته و خداوند را بدین خاطر شکر کند، وگرنه خداوند متعال قادر است، از آسمان به جای خیر و برکت، عذاب و شر نازل کند یا اینکه برایشان از آسمان سنگ ببارد.

۳-۳. فساد نکردن در زمین

حفاظت از محیط زیست در قوانین اسلامی، امانت و مسئولیتی است که وظیفه‌ی ایمانی ما است و اندیشه‌ی خلافت انسان در روی زمین آن را اقتضا می‌کند. بنابراین اگر از جمله ثمرات و آثار ایمان صادقانه، اخلاص در پرستش خداوند متعال، و حس حضور در مقابل اوست، پس، انجام تکالیف شرعی طبق دستورات خداوند و حفاظت از محیط زیست، همان‌گونه که خداوند آن را خلق کرده و به واسطه‌ی آفرینش آن، به موجودات مرحمت فرموده، از دیگر ثمرات این ایمان است (مرسی، ۱۴۲۰ق، ۶۴-۶۵). مظاهر محیط، به عنوان نشانه‌های وجود خداوند و قدرتش بر آفریدگانش است؛ قرآن اجزای تشکیل دهنده‌ی محیط، مانند زمین، آسمان، باد، آب، دریا و گیاهان را بر شمرده است. خداوند

متعال با این عناصر طبیعی بر انسان منت نهاده و با این موارد او را به توجه به خالقش هدایت کرده است و وی را به توازن و تناسب موجود در جهان توجه و تذکر می‌دهد. این‌ها نعمت‌های بزرگی است که انسان باید شکر آن را به جا آورد و به شکرانه توازن آن را حفظ کند، و در آن فساد و شر ایجاد نکند. قرآن کریم به مسئله‌ی فساد در عالم که منجر به ایجاد اختلال کیهانی و محیطی می‌شود، اشاره کرده و تأکید می‌کند: این فساد ممکن است باعث هلاک حرث و نسل شود: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵). منظور آن است که کشت از بین می‌رود و آنچه انسان و حیوان تولید می‌کنند به هلاکت می‌رسد؛ یعنی فساد آن عمومی است و شامل همه‌ی مکان‌ها و سرزمین‌ها می‌گردد. حرث به معنای محل کشت و برداشت است. نسل همان فرزند حیوانات است که قوام انسان‌ها به آن و گله‌های آن است. پس فاسدسازی آن‌ها، به معنای تخریب و نابود سازی آن‌هاست (صابونی، ۱۴۰۰ق، ج، ص ۶۸).

۴-۳. پیروی از مطالعات اسلامی در خصوص احداث ساختمان‌ها، عمارت‌ها و منازل در میراث اسلامی، تألیفات زیادی در زمینه‌ی محیط و سلامت محیط وجود دارد؛ به عنوان نمونه، ابویوسف یعقوب کندی (۱۸۵ق - ۲۵۶ق) کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته است از جمله: «رسالة في الأبخرة المصلحة للجو من الوباء»، و «رسالة في الأدوية المشفية من الروائح المؤذية». ابن مبرد نیز، کتابی را با عنوان «فنون المنون في الوباء والطاعون» نگاشته و ابن سینا در کتاب القانون خود، به تفصیل درباره آلودگی آب و چگونگی پاکسازی آب از آلودگی صحبت کرده تا بتوان از آن برای شرب استفاده کرد. همچنین درباره‌ی طبیعت، آب و هوا که در مکان موثر هستند، شرایطی مطرح کرده که هنگام سکنا گزیدن در یک مکان، باید به آن توجه شود. زکریای رازی نیز به دنبال ایمنی محیط زیست بوده تا آن‌جا که وقتی عضد الدوله دیلمی، از او درباره‌ی انتخاب مکان بیمارستان در بغداد نظر گرفت، وی منطقه‌ای را اختیار کرد که گوشت به سرعت در آنجا خراب نشود. به طور کلی بیمارستان‌ها در مکانی بود که همه‌ی شرایط سلامتی و زیبایی در آن برقرار بوده است. سلطان صلاح الدین، که می‌خواست در قاهره بیمارستان تأسیس کند، یکی از قصرهای مجلل خود را به دور از سر و صدا انتخاب کرد و آن را به یک بیمارستان بزرگ تبدیل کرد که همان بیمارستان ناصری است. رازی رساله‌ای را با عنوان «رسالة في تأثير فصل الربيع وتغير الهواء تبعاً لذلك»، تألیف کرده که درباره‌ی بهار و تغییر هواست. ابو مروان اندلسی نیز در کتابش با عنوان «التيسير في مداواة والتدبير»، از فساد هوایی که از باتلاق‌ها و برکه‌ها که آب را کد دارند، می‌وزد، صحبت کرده است. همچنین در کتاب «بستان الأطباء وروضة الألباء»، ابن مطران دمشقی به ضرورت در نظر گرفتن تأثیر محیط، هنگام تشخیص



بیماری تاکید فراوان کرده و می‌نویسد: اگر پزشک، برای درمان مردم منطقه‌ای به آنجا می‌رود باید وضعیت شهر و وضعیت هوای اطراف آن و آب جاری در آن و سایر تدابیر خاصی که مردم هر منطقه اتخاذ می‌کنند را در نظر گیرد. بنابراین ابتدا باید به این اصول توجه شده و سپس در سایر شرایط دقت شود (شعار، ۲۰۰۹م، ۸۷). این، همان نگاه پیشرفته‌ای است که در دانش پزشکی محیطی وجود دارد (همو، ۲۰۱۳م، ۹۰). این قیم جوزیه در کتاب «الطب النبوی»، فصلی را به اپیدمی‌های منتشر شده به دلیل آلودگی هوا و چگونگی پرهیز از آن اختصاص داده است. که نتیجه‌ی آن فصل را اینگونه بیان کرده است: آلودگی و فساد هوا بخشی از علل بیماری طاعون است و در واقع آلودگی هسته‌ی هوا، علت همه‌ی بیماری‌های واگیردار است و فساد هوا و آلودگی آن به دلیل از بین رفتن پاکی و اصالت جوهره آن است. زیرا یکی از ویژگی‌های بد مانند پوسیدگی، بوی بد و سمی بودن، در هر زمان از سال می‌تواند باعث نابودی جوهره‌ی هوا گردد. هرچند بیشتر، وقوع آن در اواخر فصل تابستان و اغلب در پاییز است چرا که مقدار زیادی زباله‌ها و فضولات صفراوی شدید در تابستان جمع می‌شود و متأسفانه تجزیه نمی‌گردد. در پاییز نیز - به خاطر سردی هوا و ممانعت از ایجاد بخار و زباله‌هایی که در فصل تابستان تجزیه نشده و انباشته و گرم می‌شد و تعفن پیدا می‌کرد- امراض ناشی از این تعفن، ایجاد می‌شود، به ویژه زمانی که این عفونت‌ها و امراض به بدن سرایت کند و بدن آماده دریافت این بیماری باشد و به ویژه وقتی بدن سست و کم تحرک باشد و مواد زیادی در عروق انباشته شده باشد و این باعث می‌شود که بدن به سختی از آسیب‌رهایی یابد (همو، ۲۰۰۹م، ۱۱۰). دانشمندان تمدن اسلامی در بخش‌ها یا فصل‌هایی از کتاب خود به مشکلات زیست محیطی اشاره کرده‌اند. البته مسائل به این جا نیز ختم نشده، بلکه دانشمندان مسلمان اهمیت این مسئله در زندگی مردم در طول اعصار گذشته را در کتاب‌هایی خاص مطرح کرده بودند. به عنوان نمونه محمد بن احمد تمیمی در قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) کتابی را درباره‌ی آلودگی محیط زیست و علل آن تصنیف کرد و راه کارهای مبارزه با آن و پیشگیری از آن را مطرح نمود. وی در این کتاب درباره‌ی سه گانه هوا، آب و خاک، و تبادل آلودگی بین عناصر آن‌ها بحث کرده و عنوانش را «مادة البقاء في إصلاح فساد الهواء والتحرز من ضرر الوباء» قرار داد. وی در مقدمه کتاب، هدف خود را از نگارش آن اینگونه توضیح داده است: انگیزه‌ی من از نوشتن این کتاب، پرداختن به وضعیت دانشمندان علوم پزشکی بوده که ساکن شهرهای فاسد‌ال‌هوا و شهرهای مشهور به وبا و پر از بیماری بودند. شهرهایی که هنگام گردش فصول سال، بیماری‌های کشنده و طاعون‌های مهلک، به دلیل فساد هوای آن‌ها- به خاطر مجاورت و نزدیکی با رودخانه‌های بسیار

که دچار جزر و مد می‌شوند و نیز مجاورت با شهرهای خالی از سکنه و چشمه‌های آب‌های بدمزه و بدبو و آبراهه‌ها و کاریزهای کدر و تیره رنگ که بخارهای آن‌ها وارد هوا می‌شود و آن را فاسد می‌کند- باعث غلظت اکسیژن هوا می‌گردد. همچنین، بخار زباله‌ها و مجاری آب حمام‌ها و همچنین بخار لاشه‌ی حیوانات مرده موجود در کانال‌ها و داخل قنات‌ها - و یا حیوانات مرده‌ای که روی زمین افتاده‌اند یا در مسیر پیاده‌روهای مناطقی مثل مصر، دمشق و همچنین شهرهایی که در سواحل دریاهاست و جزر و مد رودخانه‌ها آن‌ها را وسعت می‌دهد مانند بغداد، بصره، اهواز، فارس و سواحل دریایی هند و سیراف و عدن و سایر شهرهای بزرگی که مجاور دریا هستند و رودخانه از میان آن‌ها عبور می‌کند و چشمه‌های آب‌های راکد و جاری به آن‌ها منتهی می‌شود به ویژه آن‌هایی که در مسیر حرکت باد جنوب قرار دارند و به خاطر محصور بودن در کوه‌ها و تپه‌های شن و ماسه در مسیر حرکت باد شمال قرار ندارند- باعث فساد هوا و آلودگی آن می‌شود. برای کسانی که متولی و حاکم و والی این شهرها هستند شایسته است، به جای درمان پادشاهان و رؤسای آن و جمعیت عمومی، عنایت‌شان به درمان هوای فاسد و از بین بردن آن باشد، که باعث بروز وبا و آزار ساکنان می‌گردد و یا موجب ایجاد طاعون میان ساکنین آن می‌شود. این مهم‌تر از آن است که به درمان بیماری‌های وحشتناکی که در جسم افراد ایجاد شده بپردازند. باید تلاش خود را صرف این کنند که هوا را اصلاح کنند... (همو، ۲۰۰۹م، ۱۳۶؛ ابن قیم، ۱۹۸۳م، ۳۲). تیمی در کتاب خود تنها به بیان علل آلاینده‌های هوا اشاره نکرده، بلکه راه‌هایی برای مقابله با فساد هوا ارائه داده است، مانند: روشن کردن آتش و سوزاندن مواد معطر زیرا آتش که باعث ایجاد جریان هوا می‌شود و با دفع هوای آلوده و تحویل هوای جدید، امکان تبادل هوا را فراهم می‌کند. آتشی که درجه‌ی حرارتش بالاست باعث کشته شدن میکروب‌ها در هوای محیط می‌شود. تیمی معتقد است که برای پیشگیری از بیماری دوستان، باید داروهایی را به آن‌ها داد که باعث تقویت سیستم ایمنی آن‌ها شود، تا از ابتلا به بیماری‌ها جلوگیری شود. وی تدابیر و اقدامات ویژه‌ای برای کنترل مکان‌های انتقال بیماری مانند حمام‌های عمومی ارائه داده است (ابن قیم، ۱۹۸۳م، ۴۵).

پس هنر باید با اهداف شریعت منطبق باشد؛ هنر، تصدیق و تأکید بر حفظ روح و احساسات است؛ عزت روح، پاکسازی روح از زشتی‌ها و اضطراب و اخلاق فاسد است. هنر باید موجب تحقق مقاصد شریعت باشد. بهترین نمونه‌ی هنر، مسجد حضرت رسول در مدینه است، که پایتخت و کلان‌شهر جدید دولت عربی- اسلامی بوده و قلب مدینه‌ی منوره محسوب می‌شده است؛ این مسجد از نظر طراحی، بسیار ساده و متشکل از منطقه‌ای



مستطیل شکل و سرباز بود که از چهار دیوار تشکیل شده بود. دیوار قبله که در شمال آن قرار داشت، و از شرق به غرب کشیده شده بوده به سوی مسجد الاقصی در بیت المقدس بوده است. دیوارهای شرقی و غربی از جنوب به سمت شمال امتداد دارند که عمود بر دو طرف دیوار قبله بوده که پس از تغییر قبله در سال دوم هجری، دیوار شمالی از حالت قبله و محراب داشتن، خارج شد و دیوار شرقی، دارای محراب گشت تا به سمت خانه کعبه باشد. در معماری مسجد النبی، توازن و تناسب ظریف و درخور توجهی را می‌توان مشاهده کرد که در چشم، بسیار زیبا جلوه می‌کند. در حقیقت، تناسب زیبا و منطقی‌ای میان شکل معماری و بُعد معنوی و ایمانی آن وجود دارد. کسی که سادگی و عمق ساختار و بنای این معماری را ببیند، در ذهن خود با این بنا اتصال روحی و معنوی برقرار می‌کند و آن را به عنوان خانه و پناهگاه خود تصور می‌کند. در واقع این معماری معبری است برای اینکه فرد مسلمان به معنویات و اصول عقیدتی خود نزدیک شود. این بنا به انسان این حس را منتقل می‌کند که متعلق به روح وی است و رابطه احساسی خاص و شگرفی بین خود و آن بنا برقرار می‌کند (رباط، ۲۰۰۲م، ۲۴). باتوجه به موارد یاد شده، می‌توان این را دریافت که تحقق اهداف شریعت در زمینه‌ی زیبایی شهر و شهرسازی اسلامی-قرآنی، باید بر اصول و قواعدی استوار باشد که از فحوای آموزه‌های شریعت استنباط می‌گردد. با تکیه بر مصادیقی که در پیش، مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان دریافت که برای نیل به این اهداف، ۴ عنصر را می‌بایست در نظر گرفت. در صورتی که این چهار عنصر در شهرسازی مورد توجه قرار نگیرد، نمی‌توان اهداف معماری در شریعت را در عرصه عمل و کاربری، محقق دانست؛ این عناصر که از آموزه‌های دینی برگرفته شده و بر مبنای تعقل و تفکر نیز استوار است عبارتند از: ۱- عنصر ماندگاری ساخت و ساز و استحکام آن: برای ماندگار سازی بنای اسلامی و حفظ آن، نباید هیچ دستکاری در استانداردهای ساختمانی و مصالح آن صورت گیرد، و طراحی آن نیز باید مناسب و همخوان با محیط آب، هوا، آداب، رسوم و ارزش‌های شناخته شده باشد. ۲- عنصر مزیت و سود: مزیت و منفعت، یک شرط اساسی در هر تأسیسات و ساختمان است. از این رو باید با اهداف مخصوص و طبق کاربری و سبک مورد استفاده، ساخته شود. به عنوان نمونه، مسکن شخصی، دارای زیبایی، تجملات و فضاها و اتاق‌هایی خاص با مدلی خاص است و به طور کامل، با ساختمان اداری یا باغ‌ها و عبادتگاه‌ها متفاوت است؛ تا آنجا که باید مسیر جریان رطوبت هوا، شروع آفتاب و ترکیب رنگ‌ها و سایر موارد برای ساخت منازل رعایت شود. حتی چنین توصیفات در قرآن کریم، برای باغ‌ها، تخت‌ها، رودخانه‌ها و مساجد و منازل به صورت مکرر آمده و توصیف‌های مختلفی درباره‌ی آن‌ها صورت گرفته است. ۳- عنصر

زیبایی‌شناسی: این، عنصر و شرطی اساسی است و در پیش بیان شد که چگونه خداوند متعال ساختمان و ساختار آسمان‌ها و زمین را برای ما توصیف کرده و آسمان‌ها و همه دارایی‌های این جهان را با الفاظ زیبایی‌شناسی مانند زینت، حسن، جمال، بهجت و سایر موارد از این دست بیان فرموده است. با این هدف که مخاطبان را به وجد آورد تا حدی که از آن لذت برند و حس دیداری و شنیداری آنان را تحریک کند و زمزمه و نجوای زیبایی را در نفوس بشر ایجاد نماید. ۴- عنصر محیط آب و هوایی: این مسئله بسیار ضروری است که مسئله‌ی محیط و آب و هوا، به عنوان یک عنصر اساسی در ساخت و ساز باید مد نظر قرار گیرد؛ این مسئله باید با مؤلفه‌ها و مسایلی مانند طبیعت بشری و رفتارهای فردی آن منطقه، همزمان، قبل از ساخت بنا مورد توجه قرار گیرد، زیرا مسئله‌ی شهرنشینی و ساخت بناها و مکان‌های سکونت و زندگی بدون هماهنگی و توازن و تکامل میان این عناصر صورت نمی‌پذیرد (در این زمینه نک: عبدالله، ۲۰۱۴م، ۲۴۴).

نتیجه‌گیری:

هدف قرآن و سنت نبوی از خلال دستور به زیباسازی مکان‌ها و ساختمان‌ها این بود که: حکمت‌های بزرگی را که در حفظ مقاصد شریعت، به ویژه دین است تحقق بخشد و در کنار آن، فرد مسلمان را ترغیب کند تا تکالیف شرعی خود را از طریق زیباسازی، به شکل تکالیف شرعی در روح و ذهنش، انجام دهد و محاسن اسلام و فضیلت آن بر سایر ادیان را آشکار سازد و نعمت خداوند متعال نسبت به بندگان را نشان دهد؛

در زمینه‌ی تمدن و ساخت و ساز ضروری است، به اصالت خود بازگردیم. این بازگشت بسیار پس‌سنجیده است و ضروری است که کتاب‌ها و آثار موجود در میراث خود را که در زمینه‌ی محیط زیست و شهرسازی است مطالعه کنیم و در آن‌ها دقت و توجه ویژه داشته باشیم؛ در مورد عنصر اخلاقی و روحی نیز باید گفت که تمدن‌ها، بواسطه‌ی آن جاودانه می‌شوند و رسالت خود را انجام می‌دهند و به پیشرفت خود ادامه می‌دهند. زیرا ماده بدون روح، ساختمانی بی‌پایه است و اساس تمدن مسلمانان، دین اسلام است که باید به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) هم؟ به تفصیل و اجمال پرداخت تا آن پایه‌ها را کشف کرد.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۲۹ق)، مقدمه ابن خلدون، بیروت: المكتبة العصرية
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفكر
- ابن قییم، محمد بن ابی بکر (۱۹۸۳م)، الطب النبوی، تحقیق: محمد کریم راجح، بیروت: دار و مکتبه الهلال
- همو (۲۰۱۳م)، روضة المحبین ونزهة المشتاقین، بیروت: المكتبة العصرية
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفكر
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۰ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر
- أبو خلیل، شوقي (۱۴۱۷ق)، الحضارة العربية الإسلامية وموجز عن الحضارات السابقة، بیروت: دار الفكر، دمشق: دار الفكر المعاصر
- أبوعلیان، عوض محمد یوسف (۱۴۳۰ق)، الزینة في ضوء القرآن الکریم، قاهره: جامعه الازهر
- أحمد، مریم آیت، «فن المعمار الإسلامي جسر للتواصل الحضاري الإنساني»، مجلة حراء، شماره: ۴۰، اکتبر - دسامبر ۲۰۱۰م
- یهنسی، عقیف (بی تا)، الفن العربي الإسلامي، بیروت: دار الفكر، ط ۱
- تطیلی، عیسی بن موسی (۱۹۹۹م)، القضاء بالمرفق في المباني ونفي الضرر، تحقیق: محمد النمینج، آیسسکو: منشورات المنظمة الإسلامية
- حمدان، نذیر (۱۴۱۲ق)، الظاهرة الجمالية في القرآن الکریم، جدة: دار المنارة، ط ۱
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۶ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا
- راد، علی و مهرناز باشی زاده مقدم (۱۳۹۶ش)، زینت گرایي و جوانی از منظر آیات قرآنی، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۲۳، بهار و تابستان، صص ۶۱-۴۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دار القلم
- رباط، ناصر (۲۰۰۲م)، ثقافة البناء وبناء الثقافة، بحوث ومقالات في نقد وتاريخ العمارة ۱۹۸۵-۲۰۰۰، بیروت: ریاض الریس للکتب و النشر، ط ۱
- ری شهری، محمد محمدی (۱۳۹۳ش)، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث
- زمخشری، ابو القاسم محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربي، ط ۳، شعار، عصام الدین مصطفی (۲۰۰۹م)، البيئة والحفاظ عليها في الشريعة الإسلامية، قاهره: دار الثقافة
- صابونی، محمد علی (۱۴۰۰ق)، صفوة التفاسیر بعد تجریده من البیان، تجرید الشیخ عبد الله إبراهیم الأنصاري، بی جا: دار الصابونی
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طنطاوی، محمد سید (۱۳۷۶ش)، معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم، قدم له محمد سید طنطاوی؛ راجعه محمد فهیم ابوعبیر، تهران: نشر نگرش
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم
- عبدالله، رائد رضا (۲۰۱۴م)، التخطيط السياسي في منهج التغيير القرآنی، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر عبدالستار قاسم، فلسطین، نابلس: جامعة النجاح الوطنية
- عبد الحمید، شاکر (۲۰۰۱م)، التفضیل الجمالي: دراسة في سيكولوجية التذوق الجمالي، کویت: مطابع الوطن، سلسلة عالم المعرفة، شماره ۴۶۷
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية
- غزالی، ابوحماد (بی تا)، إحياء علوم الدين، بیروت: دار الکتب العلمية
- قرضاوی، یوسف (۲۰۰۱م)، رعاية البيئة في شريعة الإسلام، قاهره: دار الشروق.
- قرطبی، محمد بن أحمد، ۱۳۸۴ق، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، الثانية، قاهره: دار الکتب المصرية.

- قضاة، احمد مصطفى على (۱۹۸۸م)، *الشریعة الإسلامية والفنون*، بیروت: دار الجیل
- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، *في ظلال القرآن*، مصر: دار الشروق، ط ۳۴
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی*، تهران: دار الکتب الإسلامية
- مرسی، محمّد (۱۴۲۰ق)، *الإسلام والبيئة، ریاض: أكاديمية نايف العربية للعلوم الأمنية*
- معین، محمد (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیر کبیر
- نجار، عبد الهادی (۱۹۸۳م)، *الإسلام والاقتصاد*، کویت: المجلس الوطني للثقافة والفنون، ط ۱
- نجم، زیاد عبدالکریم (۲۰۱۰م)، *توینبی ونظریته التحدي والاستجابة - الحضارة الإسلامية أنموذجًا - دمشق: منشورات الهيئة العامة السورية للكتاب، وزاره الثقافه*
- نورسی، بدیع الزمان سعید (بی تا)، *الکلمات*، ترجمه إحسان قاسم الصالحی، ط ۱، استانبول: دارسولزر للنشر